

A Review on the Persian Translation of “*Drawings Archaeological Finds*”

Mozhgan Jayez*

Abstract

Drawing archaeological finds is one which stands out among the other means of documentation and information transfer in archaeological science. A wide range of objects is drawn during archeological activities. The present paper criticizes the translation of a book on the drawing of archeological objects. The main book in the original language is outdated, but it is a relatively reliable source. Considering that this book was regarded as one of the most important sources of drawing even before translation, its translation into Persian doubles its importance to Iranian archaeologists. The translated version of the book, which is published in Iran, suffers from the literal translation, unfamiliar and unusual equivalents, and low quality of the printed images, which play a major role in increasing the readers’ understanding of the content of the book. It should be considered that mastering the English language and having extended knowledge of the wide range of objects and archaeological finds are necessary for the translation of sourcebooks.

Keywords: Archaeology, Archaeological Drawing, Technical Translation, Archaeological Finds

* Assistant Professor, Department of Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran, mjayez@ut.ac.ir

Date received: 2019-06-19, Date of acceptance: 2019-12-18

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و نقد ترجمه کتاب ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر

مژگان جایز*

چکیده

طراحی اشیا باهدف مستندسازی و انتقال اطلاعات جزئی از فعالیت‌های اصلی باستان‌شناسی است. طیف گسترده‌ای از اشیا در فعالیت‌های باستان‌شناسی طراحی می‌شوند. نوشتار حاضر ترجمه کتابی در زمینه طراحی اشیای باستان‌شناسی را نقد می‌کند که کتاب اصلی آن، منبعی اگرچه قدیمی، اما نسبتاً معتبر در این زمینه است. با توجه به این که این کتاب حتی پیش از ترجمه نیز جزء منابع بسیار مهم طراحی محسوب می‌شد، ترجمه آن به زبان فارسی اهمیت آن را نزد باستان‌شناسان دوچندان می‌کند. ترجمه تحت‌اللفظی برگردان فارسی نامفهوم و نامأنوس، کیفیت بسیار پایین تصاویر در مقایسه با کتاب اصلی که نقش عمده‌ای در افزایش درک مخاطب از مطالب کتاب دارد، فصل‌بندی آشفته و نامنظم، و خوانش دشوار از جمله موارد نقدپذیر در ترجمه کتاب است. تسلط بر زبان انگلیسی و آگاهی داشتن از طیف گسترده اشیا و یافته‌های باستان‌شناسی به‌منظور ترجمه چنین کتبی از مواردی است که در آینده مترجمان باید به آن توجه کنند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، باستان‌شناسی، طراحی، اصطلاحات تخصصی.

۱. مقدمه

هر باستان‌شناسی که حداقل یک‌بار در کار میدانی اعم از بررسی یا کاوش شرکت کرده باشد، اهمیت طراحی یافته‌های باستان‌شناسی را چه در مرحله تهیه گزارش و چه در انتشار

* استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، mjayez@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷

نتایج نهایی به‌خوبی می‌داند. طراحی یافته‌های باستان‌شناسی به فعالیت‌های میدانی محدود نیست و در بسیاری از موارد در معرفی گنجینه‌های ذخیره‌شده در موزه‌ها و برپایی نمایشگاه‌ها اهمیت اساسی دارد. از دهه ۱۹۶۰م که نخستین کتب راهنمای طراحی در اروپا منتشر شد (برای مثال، Piggott 1965; Martial 1961; Hope-Taylor 1966; 1967) تاکنون منابع متعددی در زمینه طراحی و مصورسازی (illustration) اشیای باستانی منتشر شده است که اکثر آن‌ها عموم اشیای را طراحی و تصویرسازی می‌کنند (برای مثال، Adkins and Adkins 1989; Brodrribb 1970; Griffiths and Wilson 1991; Hodgson 2000; Mc Cormick 1977; Collett 2005; Steiner 2005)، اما در برخی موارد بر یک نوع خاص از یافته‌ها هم‌چون سفال (Addington 1986; Chase 1985; Dauvois 1976; Martingell 1981; 1982; 1983; 1984; Martingell and Saville 1988) تمرکز دارند. واقعیت آن‌که در سال‌های اخیر و با پیشرفت و گسترش نرم‌افزارهای رایانه‌ای و دستگاه‌های پویش^۱ و چاپ، بسیاری از طراحان پیش‌رو تلاش می‌کنند که طراحی را به‌جای اجرا با دست به روش سنتی و دو بُعدی با استفاده از رایانه و بیش‌تر در فضای سه بُعدی اجرا کنند (برای مثال، بنگرید به Woelfel 2014; Pospíšil 2010). اما اهداف طراحی یافته‌های باستانی هم‌چنان تا حد زیادی بی‌تغییر باقی مانده است و به‌نظر می‌رسد یگانه ابزار نیل به چنین اهدافی از طریق تصویرسازی یافته‌ها در حال تغییر است.

آغاز طراحی‌های باستان‌شناسی در واقع به دلیل کمبود دستگاه عکس‌برداری بود که باعث می‌شد یگانه راه ثبت آثار باستانی خلق تصویری تا حد امکان نزدیک به واقعیت از آن‌ها باشد. بعدها با اختراع دستگاه‌های عکس‌برداری این کمبود جبران شد، اما در جریان رشد علمی رشته باستان‌شناسی اهداف طراحی نیز از اهداف زیبایی‌شناسانه به اهداف تکنیکی و فنی تغییر یافت، چون اولاً چاپ تصاویر ارزان و بی‌دردسر نبود و ثانیاً عکس هر قدر جزئیات را به‌خوبی ثبت کند، بدون دست‌کاری به ارائه خودبه‌خودی تفسیر از آن‌ها قادر نیست. اساساً طراحی نوعی زبان تصویری برای انتقال اطلاعات است. برخلاف گذشته که طرح‌های آثار باستانی تابع اصول هنری بود و بیش‌تر با اهداف زیبایی‌شناسانه و برای صفحه‌آرایی و تزئین کتب خلق می‌شد، امروزه در طراحی باستان‌شناسی هدف ارائه هنری و در برخی موارد حتی واقع‌گرایانه از آن‌چه می‌بینیم نیست، بلکه هدف از طراحی در باستان‌شناسی اغلب انتقال اطلاعات است که باستان‌شناس آن را مهم می‌انگارد و از طریق طراحی در پی ارائه این اطلاعات به بینندگان است. چنین اطلاعاتی آگاهانه انتخاب می‌شود، در حالی که بسیاری از اطلاعات و جزئیات دیگر درباره شیء مورد طراحی نیز آگاهانه از طرح حذف می‌شود،

زیرا باستان‌شناس تشخیص می‌دهد که برای ارائه ارزش کافی ندارد یا نامربوط و غیرلازم است. این مسئله بدان معنا نیست که طراحی تابع سلیقه است و هر باستان‌شناسی به تشخیص خود می‌تواند روش طراحی متفاوتی داشته باشد؛ برعکس، طراحی اشیای باستانی امروزه تابع قراردادهای و گداهای مشخصی است که برای افرادی که با اصول طراحی آشنایی داشته باشند، قابل تشخیص و خواناست. در برخی موارد هم‌چون طراحی دست‌ساخته‌های سنگی این گداهای نزد افراد ماهر به‌خوبی تعریف شده و شناخته شده‌اند (Addington 1986)؛ اما در طراحی برخی دیگر از انواع یافته‌های باستانی توافق کم‌تری در زمینه گداهای تصویری نزد باستان‌شناسان دیده می‌شود (بنگرید به Banning 2000: 276-292).

باتوجه به این‌که تاکنون کتابی در زمینه طراحی اشیای باستانی به زبان فارسی تألیف نشده است، ترجمه کتابی در زمینه طراحی یافته‌های باستانی امیدوارکننده است. در ادامه یکی از کتب ترجمه به فارسی طی سال‌های اخیر در این زمینه را نقد می‌کنیم.

۲. معرفی کلی اثر و نویسنده

نوشتار حاضر کتاب *ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر*، اثر نیک گریفیدس و آنا جنر با همکاری کریستین ویلسون، تألیف ۱۳۸۸، ترجمه زیبا یحیوی، چاپ سمیرا، در ۲۰۶ صفحه را نقد می‌کند که ترجمه‌ای است از:

Griffiths, Nick and Anne Jenner with Christine Wilson (1991), *Drawing Archaeological Finds A Handbook* (Revised Edition), Occasional Paper No. 13 of the Institute of Archaeology, University College London. ISBN: 1-873132-00-X

این کتاب قبلاً یک‌بار در ماه‌نامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا معرفی شده است (موسوی‌نیا و گودرزی ۱۳۸۹). پیش از انتشار این کتاب در سال ۱۳۸۸، فقط در یک کتاب راهنمایی‌هایی برای طراحی سفالینه‌های باستان‌شناسی به زبان فارسی ارائه شده بود (توحیدی ۱۳۷۹). باوجود نیاز روزافزون باستان‌شناسان به مجموعه‌ای که طراحی انواع یافته‌های باستان‌شناسی را به‌صورت اصولی و طبق ضوابط یک‌سان آموزش دهد، این نیاز بی‌پاسخ باقی مانده و کمبود اصول مدون و همگن در طراحی اشیای باستانی، به‌ویژه در گزارش‌های باستان‌شناسی و کارهای میدانی، مشهود است. در برخی موارد طرح‌های اشیای در گزارش‌ها، کتب، و مقالات بیش‌تر منعکس‌کننده ابتکار و سلیقه طراحان است تا اصول مدون طراحی و رسم فنی. به‌نظر می‌رسد، یگانه یافته‌های باستان‌شناسی، که طراحی آن‌ها تاحدی اصولی شده و به استانداردهای کلی دست یافته است، سفالینه‌هاست که به‌دلیل

فراوانی نسبی آن‌ها در مقایسه با سایر یافته‌ها و مهم‌تر از آن به دلیل آن‌که طراحی آن‌ها در قالب واحد درسی به همه دانشجویان باستان‌شناسی آموخته می‌شود، تاحدی از آشفتگی مشهود در سایر طراحی‌های باستان‌شناسی برکنار مانده است.

به این ترتیب، ترجمه و انتشار کتاب ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر به زبان فارسی کاری خوش‌آیند است. چاپ اول کتاب اصلی به زبان انگلیسی در سال ۱۹۹۰ بوده، سپس در ۱۹۹۱ با بازبینی دوباره چاپ شده، و ترجمه فارسی آن از روی چاپ ۱۹۹۱ است. مطالب کتاب در شش فصل گردآوری شده است:

فصل اول: ایجاد فضای مناسب برای طراحی؛ در این فصل شرایط و ابزارهای لازم برای شروع طراحی (شامل انواع مداد، کاغذ، راپید، مقوا، پرگار، گونیا، کولیس، و...) کامل و دقیق معرفی شده است. با توجه به این‌که کتاب به حدود ۲۵ سال پیش بازمی‌گردد، بسیاری از ابزارهای معرفی شده در آن امروزه بی‌استفاده به نظر می‌رسد، زیرا با رواج استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای رایانه‌ای به منظور تغییر مقیاس، مونتاژ، و پرداخت نهایی طرح‌ها، طراحی بسیار ساده‌تر شده است و به وسایل کم‌تری نیاز دارد. البته آشنایی با وسایل چاپ قدیمی و دشواری‌هایی که تا پیش از رواج استفاده از رایانه‌ها در این زمینه وجود داشته خالی از لطف نیست.

فصل دوم: اشیای مورد طراحی؛ در ابتدای این فصل موارد و نحوه استفاده از مقیاس (بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی طرح‌ها) دقیق توضیح داده شده است که بیش‌تر در مواردی کاربرد دارد که اشیا بسیار بزرگ یا بسیار کوچک باشند. سپس نحوه طراحی انواع یافته‌های باستان‌شناسی از جمله اشیای تولیدشده از مس و آلیاژهای آن، اشیای آهنی و فولادی، طلایی و نقره‌ای، شیشه‌ای، سنگی، یافته‌های گلی، و آثار ساخته‌شده از مواد ارگانیک شامل استخوان، عاج، شاخ، چوب، چرم، و نهایتاً اشیای مرصع، ترکیبی، و منسوجات با جزئیات توضیح داده شده است و تصاویر ضمیمه نیز به درک بهتر شیوه طراحی کمک فراوانی می‌کنند.

فصل سوم: طراحی ظروف سفالی؛ در این فصل، علاوه بر ابزارهای موردنیاز برای طراحی سفالینه‌ها، روش دقیق طراحی سفال شرح داده شده است.

فصل چهارم: طراحی ظروف شیشه‌ای؛ در این فصل، علاوه بر تاریخچه‌ای که درباره طراحی ظروف شیشه‌ای ارائه شده، اصول طراحی این دسته از ظروف و تفاوت طراحی آن‌ها با ظروف سفالی توضیح داده شده است.

فصل پنجم: طراحی دست‌ساخته‌های سنگی؛ این بخش از کتاب مدت‌ها در ایران مرجع کارآموزانی بوده (شامل نگارنده) که طراحی دست‌ساخته‌های سنگی را آغاز کرده‌اند.

تصاویر گویا و نمونه‌های ارائه شده در این بخش برای افرادی که با اصطلاحات تخصصی مطالعه دست‌ساخته‌های سنگی آشنایی داشته باشند به اندازه‌ای مفید است که می‌توان آن را خودآموز طراحی دست‌ساخته‌های سنگی دانست (البته منظور اصل کتاب به زبان انگلیسی است، درمورد ترجمه آن به ادامه بنگرید).

فصل ششم: سرهم کردن طرح‌ها و پایان کار؛ در این فصل نیز رهنمودهایی باهدف چیدمان طرح‌ها و آماده کردن آن‌ها برای چاپ ارائه شده که باز هم باتوجه به قدیمی بودن کتاب بسیاری از این روش‌ها در چیدمان و چاپ عملاً منسوخ شده است.

باتوجه به این که این کتاب حتی پیش از ترجمه نیز جزء منابع بسیار مهم طراحی محسوب می‌شد، ترجمه آن به زبان فارسی اهمیت آن را نزد باستان‌شناسان دوچندان می‌کند. همت و تلاش برای ترجمه و چاپ چنین کتب مرجعی، که عموماً خواندن آن‌ها به زبان اصلی مرسوم می‌شود و متأسفانه دیگر لزومی برای ترجمه آن‌ها احساس نمی‌شود، به خودی خود تحسین برانگیز است. اما به لحاظ زمان چاپ، کتاب‌های طراحی باستان‌شناسی عمومی دیگری نیز با روش‌های جدیدتر و اصطلاحاً «روزآمد» (up to date) پس از این کتاب منتشر شدند (هم‌چون Steiner 2005) که قطعاً کاستی‌های کتاب فوق را به دلیل قدیمی بودن ابزارها و روش‌های استفاده شده جبران می‌کنند. برای مثال، مطالبی که در صفحات ۱-۴ متن اصلی (Griffiths and Jenner 1991: 1-4) در زمینه تکنیک‌های چاپ تصاویر آمده است، امروزه به دلیل تغییر فناوری چاپ دیگر موضوعیت ندارد. متأسفانه مترجم در مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته هیچ اشاره‌ای به سایر منابع در این زمینه و دلیل انتخاب این کتاب نکرده است، بنابراین فقط می‌توان حدس زد که احتمالاً مهم‌ترین دلیل انتخاب این کتاب برای ترجمه معروفیت آن نزد باستان‌شناسان ایرانی باشد که دلیل انتخاب ترجمه این کتاب باهدف نقد در نوشتار حاضر نیز محسوب می‌شود.

آنچه در این نوشتار ارائه شده، حاصل بررسی و مقابله یک‌چهارم متن ترجمه با اصل کتاب به زبان انگلیسی است. در این نوشتار برای ارجاع به شماره صفحات در کتاب به زبان اصلی از اعداد انگلیسی در پرانتز استفاده شده است.

۳. نقد شکلی اثر

طرح جلد کتاب نمونه‌ای از طراحی باستان‌شناختی و مناسب است، اگرچه استفاده از قلم «نسیم» روی جلد برای عنوان کتاب و اسامی نویسندگان و مترجم چندان چشم‌نواز نیست.

حروف‌نگاری، صفحه‌بندی، و چیدمان تصاویر و طرح‌ها منطقی و قابل قبول است، اما نکته‌ای که حداقل درباره کتب طراحی نمی‌توان سهل‌انگاری کرد، کیفیت تصاویر است. تصاویر در چنین کتب راهنمای طراحی مهم‌ترین عنصر کتاب محسوب می‌شود، زیرا خوانندگان به‌مدد تصاویر باکیفیت می‌توانند مرحله‌به‌مرحله طبق راهنمای طراحی پیش بروند. کیفیت تصاویر در ترجمه کتاب حتی نزدیک به سطح قابل قبول نیست، طوری که به جرئت می‌توان ادعا کرد خوانندگان نسخه فارسی بدون در اختیار داشتن نسخه اصل انگلیسی، که تصاویر قابل قبولی دارد، قادر به استفاده از نسخه فارسی نخواهند بود. این مسئله به‌ویژه در بخش دست‌ساخته‌های سنگی است (201-157) اهمیت بیش‌تری دارد، زیرا توانایی طراحی این آثار مستلزم تشخیص نشانه‌هایی بر این دست از اشیاست که بدون کمک تصاویر نمی‌توان آن‌ها را تشخیص داد.

مسئله بعدی فهرست نسخه فارسی است. در این فهرست، برخلاف فهرست کتاب اصلی، هیچ‌گونه فصل‌بندی ارائه نشده و تمام عناوین بدون هیچ تغییری به‌دنبال هم آمده است. درحالی‌که در فهرست کتاب اصلی عناوین فصول و بخش‌های ذیل هر یک به‌خوبی مشخص شده است، به‌گونه‌ای که برخلاف نسخه ترجمه، خواننده برای یافتن موضوع موردنظر دچار مشکل نمی‌شود. در متن کتاب نیز این برهم‌زدن فصول کتاب کاملاً مشخص است، به‌نحوی که به‌نظر می‌رسد کل کتاب یک فصل واحد است که تقسیم‌بندی در آن وجود ندارد و همه بخش‌ها بی‌فاصله به‌دنبال هم آمده است. نگارنده برای معرفی فصول کتاب در این نوشتار ناچار به کتاب اصلی رجوع می‌کند، زیرا اگر به برگردان فارسی مراجعه می‌شد، امکان درک فصول کتاب به‌صورت آنچه توضیح داده‌شد امکان‌پذیر نبود. صرف‌نظر از رعایت نکردن نیم‌فاصله در متن تایپی، غلط‌های تایپی و املائی نیز در متن نوشتار فارسی این کتاب کم نیست، برای نمونه:

صفحه ۳۳: دو بار کلمه «اتاق» به‌کار رفته است، بار اول «اتاق» در خط هفتم و بار دوم «اتاق» در خط شانزدهم. هر دو صورت املائی کلمه فوق در گذشته کاربرد داشته، اما ضبط مختار این واژه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی «اتاق» است، ضمن آن‌که حتی اگر هر دو صورت آن پذیرفته‌شده باشد، بایستی در تمام متن یکسان استفاده شود و به‌کاربردن دو شکل املائی متفاوت غلط تایپی یا املائی است.

صفحه ۴۶: در خط آخر، در انتهای صفحه جمله «می‌توان قلم‌ها را در یک فضای مرطوب قرار دارد» دیده می‌شود که صحیح آن «می‌توان قلم‌ها را در یک فضای مرطوب قرار داد» است.

صفحه ۴۷: در خط چهاردهم، در جمله «و نه در محیط پر گردوغبار که از باستان‌شناسی معمول و متداول است» که معادل جمله انگلیسی "and not in the dusty environment usual" "in archaeology" (19) است، به جای لغت «معمول»، که اشتباه تایپی دارد، لغت «معمول» صحیح است.

صفحه ۶۸: در پایان آخرین پاراگراف به تصویر ۱۳ و ۱۴ ارجاع داده شده که در متن اصلی چنین ارجاعی نیست و این تصاویر به بخش‌های دیگری از متن مربوط است.

صفحه ۷۸: واژه «خاتم کاری» در خط‌های دهم و دوازدهم به اشتباه «خاتم کاری» نوشته شده است. جست‌وجوی نگارنده برای یافتن معنای «خاتم کاری» به نتیجه نرسید، احتمالاً منظور مترجم همان «خاتم کاری» است که طبق ترجمه لفظ به لفظ معادل inlay در متن اصلی به کار رفته است. نکته این‌که، منظور متن اصلی از inlay با آنچه در صنایع دستی ایران به منزله «خاتم کاری» می‌شناسیم متفاوت است. خاتم کاری جزء صنایع دستی است و به معنای تعبیه ترکیبی از چند ضلعی‌های منظم با تعداد اضلاع متفاوت با استفاده از مواد اولیه گوناگون در رنگ‌های مختلف است (بنگرید به طهوری ۱۳۶۵). در کتاب، همان‌طور که نویسندگان توضیح داده‌اند، این اصطلاح برای کاشی‌های قرون وسطی به کار رفته و منظور از آن یعنی «طرح با مهر روی آن‌ها ایجاد شده و سپس پیش از لعاب کاری با گل سفید پر شده است» (39). بنابراین این بخش نه فقط نشان‌دهنده اشتباه تایپی است، بلکه برابرنهاده فارسی نامناسبی در ترجمه را نیز نشان می‌دهد. برابرنهاده فرهنگستان ادب فارسی برای واژه inlay «درنشانده» است، به معنای ماده‌ای خارجی که درون ماده زمینه جای گیر و تعبیه می‌شود.

صفحه ۹۰: در جمله «به‌ویژه هنگام ترسیم به ابریشم و دیگر موارد بسیار ظریف» معادل "especially when dealing with silks and other very fine materials" (49)، به نظر می‌رسد حرف «به» اشتباه تایپی است و صحیح آن «ترسیم ابریشم» باشد.

صفحه ۱۰۴: «قابل‌مذابزی» به اشتباه «قابل‌مذابزی» تایپ شده است.

۴. نقد محتوایی اثر

نخستین نکته عنوان کتاب است. در عنوان اصلی کتاب (Drawing Archaeological Finds: A Handbook) به «هنر» یا «اشیای هنری» هیچ اشاره‌ای نشده است، اما عنوان ترجمه آن به «ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر» تغییر یافته است که افزایشی بدون توجیه و به لحاظ دستوری اشتباه است؛ زیرا عبارت «یافته‌های هنر»، که متضمن کاربرد اشتباه واژه «هنر» در

نقش صفت برای «یافته‌ها» است، عبارتی بی‌معناست (در عنوان اصلی کتاب نیز از Archaeological استفاده شده که حالت صفتی دارد نه Archaeology که اسم محسوب می‌شود). حتی اگر اصراری بر هنری بودن این اشیاست عنوان «ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و آثار هنری» عنوان مناسب‌تری است. اگر «هنر» را کنار بگذاریم، ترجمه صحیح عنوان کتاب به فارسی «راهنمای طراحی یافته‌های باستان‌شناسی» است. باتوجه به این که متن کتاب دستورالعمل‌هایی برای طراحی را توضیح می‌دهد، قابل درک بودن تکنیک‌های توضیح داده شده اهمیت بسیاری دارد. در بسیاری از موارد، حتی زمانی که چنین راهنماها و دستورالعمل‌هایی واضح و کاربردی باشد، باز هم اجرای مرحله به مرحله آن‌ها به حضور مربی‌ای باتجربه و راهنمایی فراتر از متن کتاب نیاز دارد، چه برسد به زمانی که همین دستورالعمل‌ها نیز به دلیل مشکلات برگردان آن‌ها به فارسی در کتاب مورد بحث نه فقط واضح و قابل فهم نباشد که در بسیاری موارد گمراه‌کننده باشد. در مقابله متن اصلی با ترجمه کتاب فوق به مواردی برخورد شد که در ادامه دسته‌بندی شده ارائه می‌شود.

۱.۴ ترجمه غلط

در بسیاری از موارد برابرهادهای انتخاب شده برای لغات انگلیسی اشتباه است. این دسته از اشتباهات متفاوت از «انتخاب برابرهاده نامناسب برای لغات» است. بدان معنا که واژه فارسی انتخاب شده «نامناسب» نیست، بلکه اساساً اشتباه است. در برخی موارد چنین غلط‌هایی به قدری واضح است که حتی در آشنایی مقدماتی مترجم با لغات رشته باستان‌شناسی به زبان انگلیسی نیز تردیدهایی ایجاد می‌کنند. حتی در صورتی که مترجم باستان‌شناس نبود، جست‌وجویی ساده در واژه‌نامه انگلیسی - فارسی ترجمه صحیح این موارد را به دست می‌داد. چنین اشتباهاتی اگر نشان‌دهنده ناآشنایی مترجم با زبان تخصصی باستان‌شناسی نباشد، به وضوح به دلیل بی‌دقتی، نداشتن ویرایش صحیح، و کنترل‌نشدن متن است. در ادامه برخی از این اشتباهات ارائه می‌شود:

صفحه ۱۸: به نقاشی اثر پیتر بروگل ۲ با عنوان «یک جشن عروسی» معادل "A Country Wedding" (4) اشاره شده است. ترجمه صحیح عنوان این نقاشی «عروسی محلی» است. صفحه ۷۸: معادل "grain structure" (39) «ساختار سبز» ارائه شده که گویا مترجم grain را با green به معنای «سبز» اشتباه گرفته است. معادل صحیح «ساختار دانه‌دانه یا ساختار زبر» است.

صفحه ۱۰۴: معادل "a quarter-sized photocopy" (56) در متن اصلی به اشتباه «یک فتوکپی به اندازه یک سوم» ترجمه شده است، زیرا quarter به معنای «رُبْع» یا «یک چهارم» است و صحیح آن «یک فتوکپی به اندازه یک چهارم» است.

صفحه ۱۰۴: جمله "the name of the museum or collection and an accession number" (56) should be noted" (باید نام موزه یا کلکسیون و نحوه دسترسی آن ذکر شود) ترجمه شده است. منظور مؤلفان آن است هنگامی که اثری متعلق به یک موزه یا مجموعه شخصی را طراحی می‌کنیم، نه فقط به نام آن موزه و مجموعه، بلکه به کُد یا شماره آن اثر در آن موزه یا مجموعه نیز باید ارجاع دهیم. بنابراین «نحوه دسترسی» ترجمه‌ای اشتباه است و ترجمه لفظبه لفظ "accession number" در این مورد کافی بود که می‌شود «کُد یا شماره دسترسی به اثر». ترجمه صحیح‌تر آن «کُد یا شماره ثبت اثر در موزه یا مجموعه شخصی» می‌تواند باشد.

صفحه ۱۲۷: معادل "prehistoric pottery" (70) در متن اصلی «ظروف فلزی ماقبل تاریخ» آمده که اشتباه و معادل صحیح آن «ظروف سفالی پیش از تاریخ» است.

۲.۴ بخش‌های کاسته و افزوده متن

در برخی از بخش‌های کتاب تصویر یا قسمتی از متن، که در زبان اصلی وجود دارد، بدون ارائه دلایل مشخصی از جانب مترجم در ترجمه حذف شده است. در مقابل در بعضی از قسمت‌ها اضافه شدن بی دلیل لغاتی را شاهدیم که در متن اصلی وجود ندارد و نه فقط کمکی به ترجمه نمی‌کند که موجب می‌شود خوانش متن فارسی دشوار شود. از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

حداقل در یک مورد تصویری در کتاب اصلی در نسخه ترجمه حذف شده است. تصویر ۷ (18) در ترجمه فارسی حذف شده و به‌رغم چنین حذفی ترتیب شماره‌های تصاویر حفظ شده است.

صفحه ۹۰: پس از عنوان «منسوجات» در متن اصلی ارجاعاتی به تصاویر ۲۷ و ۲۸ داده شده است (48) که در نسخه ترجمه جا افتاده است.

صفحه ۱۰۴: در پایان آخرین پاراگراف در کتاب اصلی ارجاعی به Tyers & Vince (1983) داده شده (56) که در نسخه ترجمه جا افتاده است.

صفحه ۱۵۷: ابتدای فصل طراحی دست‌ساخته‌های سنگی است که این فصل را کریستین ویلسون نوشته و در کتاب اصلی زیرعنوان این فصل نام او درمقام نویسنده ذکر

شده است (93)، اما در نسخه ترجمه نام این نویسنده بی دلیل حذف شده است. این مسئله از جنبه اخلاق و امانت‌داری در ارجاع به نام پدیدآورنده اثر نیز درخور بررسی است. صفحه ۱۵۷: معادل جمله “This means that the illustrator does not simply put down that which he ‘sees’-when the light is coming from the top left-but that which he ‘knows’ is there” (93)، «این بدان معناست که طراح تنها چیزی را که ‘می‌بیند’ روی کاغذ نمی‌آورد بلکه چیزی را روی کاغذ می‌آورد که ‘می‌داند’ در آن‌جاست» ترجمه شده و عبارت «در تابش نور از سمت چپ بالا» حذف شده است که تاحدی عبارت ترجمه شده را ناقص می‌کند، زیرا منظور مؤلف آن است که طراح صرفاً آن‌چه را با تابش نور از سمت چپ بالای شیء می‌بیند و شامل الگویی از سایه و روشنایی روی اثر است، ترسیم نمی‌کند، بلکه حتی اگر چیزی مشهود نباشد و طراح به واسطه شناخت اثر از آن اطلاع داده باشد، در طرح آن را نمایش می‌دهد.

۳.۴ ترجمه نکردن اسامی و لغات و ارائه آن‌ها با حروف انگلیسی در متن

در بسیاری از موارد در ترجمه کتاب از برگردان لغات و اسامی انگلیسی به فارسی خودداری شده یا همان اصل انگلیسی با حروف انگلیسی در لابه‌لای متن فارسی یا آوانگاری آن لغت به خط فارسی عین‌به‌عین آورده شده است. این مسئله به‌ویژه در مورد اسامی افراد، مکان‌ها، و لغات فنی دیده می‌شود که نه فقط به ارائه برگردان فارسی نیاز دارد، بلکه در برگردان دقیق‌تر، به منظور قابل فهم بودن متن نیاز است که توضیحاتی اضافه از جانب مترجم در پانویشت اضافه شود. در حالی که نه فقط توضیحی در مورد این لغات و اسامی ارائه نشده، بلکه حتی برگردان آن‌ها به فارسی بیان شده است. نمونه‌های این موارد در کتاب فراوان دیده می‌شود، به گونه‌ای که به‌طور متوسط در هر صفحه یک یا دو مورد مشاهده می‌شود. در این جا برخی از این موارد را ذکر می‌کنیم:

صفحه ۱۲: واژه “photo-lithography” (2) به جای برگردان آوانگاری فارسی شده و به صورت «فوتولیتوگرافی»^۳ در جمله استفاده شده است، بدون آن‌که توضیحی درباره این تکنیک داده شود. قاعدتاً از مخاطبان کتاب، اکثراً باستان‌شناسان، انتظار نمی‌رود که معنای چنین مفاهیمی را بدون تحقیق در این زمینه بدانند، اما از ترجمه کتاب انتظار می‌رود که برای امانت‌داری در درجه اول برابر نهاده فارسی این لغت در برگردان ارائه و در درجه دوم توضیحی هر چند کوتاه در زمینه این تکنیک ارائه شود. قاعدتاً ترجمه کتاب به فارسی با این

هدف انجام می‌شود که خواننده فارسی‌زبان بتواند مطالب کتابی را که به زبان مادری او نیست مطالعه کند و بفهمد. اگر قرار باشد کتابی ترجمه شود، اما هم‌چنان برای خواننده فارسی‌زبان نامفهوم باشد، اساساً چه دلیلی برای ترجمه باقی می‌ماند؟

صفحه ۱۸: معادل "various rings and jewels owned by St. Albans Abbey" (4)، «حلقه و جواهرات مختلفی که St. Albans Abbey مالک آن‌ها بود» آورده شده است، یعنی نه فقط اسم «آلبنز» با حروف فارسی نشده، بلکه Abbey، به معنای «صومعه» یا «کلیسای جامع»، به همان شکل انگلیسی با حروف انگلیسی در متن فارسی آمده و به فارسی برگردانده نشده است. قاعدتاً خواننده فارسی‌زبانی که با زبان انگلیسی آشنایی نداشته باشد، با خواندن چنین ترجمه‌ای متوجه نمی‌شود که «آلبنز» نام شخص است یا مکان. نامفهوم بودن چنین عباراتی اگرچه در متن بیان‌گر مفاهیم کلی نباشد، باعث دشواری خوانش متن و خسته شدن ذهن خواننده می‌شود. ترجمه صحیح این عبارت «حلقه و جواهراتی که متعلق به صومعه سنت آلبنز بودند» است. در همان صفحه ۱۸ پنج اسم دیگر نیز با حروف انگلیسی آورده شده‌اند که اکثراً اسامی نقاشان اروپایی و آثار آن‌ها هستند، هم‌چون «هیرونیموس بوش» و «یان ون» که با حروف انگلیسی به صورت "Hieronymus Bosch" و "Jan Van" در متن فارسی آورده شده‌اند. به نظر می‌رسد بخشی از برگردان نکردن این اسامی و لغات به فارسی ناشی از شتاب‌زدگی در برگردان و چاپ کتاب است، زیرا پیدا کردن معادل فارسی این اسامی و افزودن توضیحی هرچند اندک درباره آن‌ها نیازمند دقتی است که با شتاب‌زدگی مشهود در برگردان فارسی این کتاب به هیچ‌روی هم‌سو نیست.

صفحه ۱۹: واژه "Urne Burial" با حروف انگلیسی آورده شده که معادل فارسی آن «تدفین کوزه‌ای» است و همان‌طور که در متن کتاب اشاره شده، به معنای ریختن خاکستر مرده در کوزه است (4). این نمونه نشان می‌دهد که عدم برگردان به فارسی فقط شامل اسامی و لغات خاص نیست، بلکه به نظر می‌رسد الگویی است که هر جا برگردان به فارسی برای مترجم دشوار بوده، استفاده شده است.

صفحه ۳۶: واژه "Cow Gum" با حروف انگلیسی آورده شده که قاعدتاً برای خواننده فارسی‌زبان ناشناخته است. منظور از آن چسبی رطوبتی است که نقاشان، طراحان، و مجسمه‌سازان در دهه ۱۹۹۰م در اروپا استفاده می‌کردند و به دلیل استحکام بسیار معروف بوده است (<<http://www.collinsdictionary.com>>). واضح است ارائه نکردن چنین توضیحی از سوی مترجم و ارائه آن با حروف انگلیسی یا نتیجه اطلاع‌نداشتن مترجم از معنای این

لغت است که خود نیز متوجه مفهوم ترجمه خود نشده است یا نتیجه ساده‌انگاری در برگردان فارسی کتاب که در نتیجه آن لزومی برای جست‌وجو و ارائه ترجمه واضحی که برای خواننده کتاب قابل فهم باشد از جانب مترجم حس نمی‌شده است.

۴.۴ ترجمه نامفهوم

اصلی‌ترین مسئله در نقد ترجمه کتاب مورد بحث ترجمه‌های نامأنوس و نامفهوم است که در اکثر بخش‌های کتاب دیده می‌شود. برگردان اکثر جملات به فارسی لفظ‌به‌لفظ است و جملات فارسی نامفهوم‌اند. باید توجه کرد که کتاب حاضر از آن نظر که نوعی دستورالعمل طراحی محسوب می‌شود، مهارتی را آموزش می‌دهد که به تکرار و تمرین نیاز دارد. نامفهوم بودن جملات برگردانده شده به فارسی عملاً کارایی کتاب را تا حد بسیار زیادی کاهش داده است، به گونه‌ای که نگارنده در نگارش متن حاضر در اکثر موارد ناچار از مراجعات مکرر به اصل متن انگلیسی برای پی‌بردن به معنای جملاتی بوده که در متن فارسی ارائه شده است. با توجه به فراوانی این نمونه‌ها، در ادامه تلاش شده تا حد امکان برخی از آن‌ها ارائه شود. در هر نمونه نخست متن انگلیسی، سپس ترجمه ارائه شده در کتاب، و سپس ترجمه پیشنهادی نگارنده ارائه می‌شود.

نمونه ۱.

“Adjustable desks and chairs are made specially to minimize back strain” (31)

«میز و صندلی‌های قابل تنظیم به‌طور ویژه برای کمینه‌سازی کشیدگی کمر ساخته می‌شوند» (۳۳).

ترجمه پیشنهادی: میز و صندلی‌های قابل تنظیم مخصوصاً با این هدف ساخته می‌شوند که فشار وارد بر کمر هنگام را کاهش دهند.

نمونه ۲.

“It follows, then, that even the finest archaeological drawing will only go so far towards the reality of the object” (23).

«پس چنین حاصل می‌شود که حتی ظریف‌ترین و دقیق‌ترین ترسیم باستان‌شناسی تنها به‌سوی حقیقت جسم می‌رود» (۵۲).

ترجمه پیشنهادی: بنابراین ظریف‌ترین طراحی باستان‌شناسی نیز فقط تاحدی به ظاهر واقعی شیء نزدیک می‌شود.

نمونه ۳.

“Perhaps the most common ancient material for small objects, copper (and its alloys, bronze, brass, etc.), tends to have a smooth, even surface” (31).

«شاید متداول‌ترین ماده باستانی برای اجسام کوچک، مس (و آلیاژهای آن یعنی برنز، برنج و غیره) گرایش به داشتن سطحی یک‌نواخت و هموار داشته باشند» (۶۸).

ترجمه پیش‌نهادی: مس (و آلیاژهای آن برنز، برنج، و غیره) که در ساخت اشیای کوچک قدیمی بیش‌ترین استفاده را داشته است، معمولاً سطحی صاف و یک‌نواخت ایجاد می‌کند.

نمونه ۴.

“When stippling iron, the corroded surface can be indicated with broken lines and patches of stipple based on the rough patches” (31).

«هنگام نقطه‌چین‌زنی آهن، می‌توان سطح فرسوده را با خطوط شکسته و دسته‌های نقطه‌چین براساس دسته‌های خشن و ناهموار نشان داد» (۶۸).

ترجمه پیش‌نهادی: هنگام سایه‌زدن طرح اشیای آهنی با استفاده از نقاط، می‌توان قسمت زنگ‌زده را با کشیدن خطوط شکسته و تراکم نقاط در قسمت‌های زیر نشان داد.

نمونه ۵.

“If the surface of the particular object can be seen, the outline can be shaded accordingly. If not, it may be necessary to leave the shape as an outline” (31).

«اگر سطح جسم خاصی را بتوان دید، می‌توان طرح را بر آن اساس سایه زد. درغیراین‌صورت، ممکن است به‌صورت طرح کلی، رهاکردن شکل، لازم و ضروری باشد» (۶۸).

ترجمه پیش‌نهادی: اگر سطح شیء موردطراحی واضح دیده می‌شود، می‌توان در محدوده خطوط اطراف آن طرح مشهود روی سطح شیء را با سایه‌زنی نشان داد. اما اگر سطح شیء [به‌دلیل فرسایش و زنگ‌زدگی] مخدوش است و واضح دیده نمی‌شود، شاید لازم باشد طرح را به نمایش خطوط اطراف شیء محدود کرد.

نمونه ۶.

“An exception to the general rule of shading objects and tiles is the illustration of medieval floor tiles” (39).

«یک استثنا برای قاعده کلی سایه‌زدن اجسام و کاشی‌های کف قرون وسطی‌ای وجود دارد» (۷۸).

ترجمه پیش‌نهادی: درمورد قانون کلی سایه‌زنی اشیا و کاشی‌ها، طراحی کاشی‌های کف مربوط به قرون وسطی استثنا محسوب می‌شود که از این قانون کلی تبعیت نمی‌کند.
نمونه ۷.

“If the tiles are stamped or patterned, the design is drawn out in solid black, this representing the letter or raised portions of the pattern” (39).

«اگر کاشی‌ها دارای نقش و نگار باشند، طرح آن‌ها به رنگ سیاه کشیده می‌شود، این نشان‌دهنده حروف یا بخش‌های دارای ارتفاع نقش و الگو است» (۷۸).

ترجمه پیش‌نهادی: اگر کاشی بافت سطحی یا نقوش مهرشده داشته باشد، طرح آن با رنگ سیاه کشیده می‌شود، به این صورت که رنگ سیاه حروف یا بخش‌های برجسته طرح را نشان می‌دهد.

نمونه ۸

“Wheel thrown sections are blacked in (Fig. 49c)” (70).

«مقاطع در شکل ۴۹ ج سیاه شده‌اند» (۱۲۷).

ترجمه پیش‌نهادی: در [طراحی] مقطع [سفال]، داخل بخش‌های چرخ‌ساز با رنگ سیاه پر می‌شود (مثل تصویر ۴۹c). (نکته مهم در این بخش آن است که نویسنده درحال بیان کردن یک اصل کلی در طراحی سفال است، بنابراین استفاده از زمان ماضی نقلی در برگردان فارسی معنای جمله را به درستی منتقل نمی‌کند. درواقع این مورد نشان‌دهنده ترجمه لفظ به لفظ بدون توجه به انتقال صحیح مفهوم است).

نمونه ۹.

“The arcs produced by the blow are used by the illustrator to describe the shape of the artifact (i.e. as a convention for shading) and to inform the archaeologist about the manufacture of a piece, showing the point from where each facet was made and in what sequence” (93).

«قوس‌های تولیدشده توسط ضربه برای تشریح فرم شیء (یعنی، به صورت قراردادی برای سایه‌زنی) و برای دادن اطلاعاتی درمورد ساختن یک قطعه به باستان‌شناس توسط تصویرگر طراح مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ این اطلاعات با نشان دادن نقطه‌ای که هر تراشه از آن‌جا ساخته شده است و ترتیب آن‌ها ارائه می‌شوند» (۱۵۷).

ترجمه پیش‌نهادی: قوس‌های ناشی از ضربه در طراحی دست‌ساخته‌های سنگی (به‌صورت قراردادی و برای سایه‌پردازی سطح دست‌ساخته) نشان داده می‌شوند تا شکل دست‌ساخته‌ها مشخص باشد و اطلاعاتی درباره جنبه‌های گوناگون تولید، نقطه‌ای که تراشه‌ها از آن‌جا جدا شده‌اند، و توالی ساخت آن‌ها ارائه می‌دهند.
نمونه ۱۰.

“It is important that the plan and profile views relate exactly so that any horizontal line projected from a feature on the plan views will cross that same feature on the profile” (101).

«مهم است که نماهای پلان و نمایه دقیقاً مرتبط باشند. به‌طوری‌که هر خط افقی تصویرشده از یک بخش بر نماهای طرح همان بخش در نمایه را قطع کند» (۱۷۵).
ترجمه پیش‌نهادی: مهم است که نمای مسطح و نیم‌رخ دقیقاً متناسب با هم باشند، به‌گونه‌ای که هر خط افقی که روی نمای مسطح از عارضه‌ای برمی‌آید، در نیم‌رخ همان خط به همان عارضه پیوند بخورد.

باتوجه‌به تخصصی‌بودن اصطلاحات مربوط به دست‌ساخته‌های سنگی، خوانش بخش مربوط به طراحی آن‌ها حتی به زبان اصلی بسیار دشوار است. در ترجمه معادل‌های فارسی نسبتاً صحیحی برای اصطلاحات تخصصی انتخاب شده، اما به‌دلیل برگردان نامفهوم جملات (که به‌نظر می‌رسد حداقل بخشی از آن ناشی از ناآشنایی مترجم با دست‌ساخته‌های سنگی باشد)، که برخی از نمونه‌های آن در بالا ارائه شد، سختی خواندن متن دوچندان می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار ارائه شد نتیجه مقابله بخشی از متن انگلیسی کتاب موردبحث با ترجمه فارسی آن است و به‌دلیل محدودیت همه موارد مشاهده‌شده در این نوشتار ذکر نشده است. بدیهی است مجال برای ذکر تمام نکات و اشکالات نسخه ترجمه نیست. باتوجه‌به نایاب‌بودن کتبی از این دست در میان کتاب‌های فارسی در زمینه باستان‌شناسی، جای بسی تأسف است که حتی پس از ترجمه و انتشار چنین کتابی با تأخیر طولانی، که باعث شده برخی از بخش‌های کتاب بیش‌تر حالت تاریخی پیدا کند، اما متن کتاب آن‌قدر که انتظار می‌رود واضح نیست و این دقیقاً همان فرایندی است که باستان‌شناسان را به مطالعه کتب باستان‌شناسی به زبان اصلی سوق می‌دهد و از محبوبیت و مطلوبیت ترجمه می‌کاهد.

در مورد کتاب موردنقد، ترجمه لفظ به لفظ، برگردان فارسی نامفهوم و نامأنوس، غلط‌های فراوان در تایپ و ترجمه، کیفیت بسیار پایین تصاویر در مقایسه با کتاب اصلی که نقش عمده‌ای در افزایش درک مخاطب از مطالب کتاب دارند، فصل‌بندی آشفته و نامنظم، و خوانش دشوار عواملی است که باعث می‌شود به‌رغم ترجمه کتاب به زبان فارسی، باستان‌شناسان فارسی‌زبانی که توانایی خواندن اصل کتاب به زبان انگلیسی را دارند، از مطالعه نسخه برگردان صرف‌نظر کنند یا حداقل هنگام خواندن نسخه فارسی چندین بار به کتاب اصلی مراجعه کنند. تمامی این اشکالات متوجه مترجم نیست و بسیاری از اشکالاتی که در بالا به آن‌ها اشاره شد با یک بار تطبیق ترجمه با متن اصلی و حتی یک بار بازبینی کتاب و ویراستاری دقیق حل‌شدنی است. چاپ و انتشار این کتاب با شتاب‌زدگی هم‌راه بوده است و نداشتن ویراستاری دقیق، باوجود سرمایه‌گذاری در انتشار آن، در کنترل کم‌تر از یک دهه متن فارسی به‌وضوح نشان می‌دهد که ترجمه کتاب به بازبینی نیاز دارد.

دیگر آن‌که، باتوجه‌به گستردگی زمینه‌ها، دوره‌ها، و اشیای مورد مطالعه در علم باستان‌شناسی، هنگامی که کتابی منتشر می‌شود که طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مطالعاتی را دربرمی‌گیرد، برای ترجمه آن آگاهی، تجربه، و تسلط کافی بر آن طیف گسترده ضروری است. بنابراین فقط برگرداندن لغات و جملات از انگلیسی به فارسی کفایت نمی‌کند. مشخصاً برای آن‌که ترجمه قابل‌فهمی از کتاب حاضر به زبان فارسی ارائه شود نیاز است که مترجم به‌جز تسلط بر زبان انگلیسی، در زمینه طیف گسترده‌ای از اشیای باستان‌شناسی به‌لحاظ گونه‌شناسی آگاهی داشته باشد و با طراحی این دست از اشیای آشنا باشد. علاوه‌بر داشتن شرایط فوق، پژوهش در زمینه اصطلاحات تخصصی و تلاش برای برگرداندن این اصطلاحات و جملات به زبان فارسی سلیس ضروری است که در کتاب حاضر چنین موضوعی مصداق ندارد. امید است در آینده ترجمه کتب جدیدتر در زمینه طراحی باستان‌شناسی و البته با دقت و ریزبینی بیشتری را شاهد باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. «پویش» و «پویش‌گر» به‌ترتیب برابر نهاده‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای scanning و scanner است. برای برابر نهاده‌های مصوب فرهنگستان مراجعه کنید به <http://www.persianacademy.ir/fa/word>.

۲. Pitter Bruegel 1525-1569، نقاش فلاندری و خالق آثار معروف عروسی محلی و عروسی روستایی (*Peasant Wedding*).

بررسی و نقد ترجمه کتاب ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر (مژگان جایز) ۳۹

۳. معادل فارسی این لغت «طرح‌نگاری نوری» و تکنیکی قدیمی در عکاسی است که در آن اغلب با به‌کارگیری یک شابلون سطح حساس به نور را به‌طور انتخابی در معرض نور قرار می‌دهند و روی بخشی که در معرض نور است با استفاده از مواد شیمیایی کار می‌شود (بنگرید به Troy 1959).

کتاب‌نامه

توحیدی، فائق (۱۳۷۹)، فن و هنر سفالگری، تهران: سمت.
طهوری، دلشاد (۱۳۶۵)، هنر خاتم‌سازی در ایران، تهران: سروش.
موسوی‌نیا، مهدی و علیرضا گودرزی (۱۳۸۹)، «ترسیم یافته‌های باستان‌شناسی و هنر»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۷.

- Addington, L. R. (1986), *Lithic Illustration: Drawing Flaked Stone Artifacts for Publication*, Chicago and London: University of Chicago Press.
- Adkins, L. and R. A. Adkins (1989), *Cambridge Manuals in Archaeology: Archaeological Illustration*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Banning, E. B. (2000), *The Archaeologist's Laboratory: The Analysis of Archaeological Data*, New York: Kluwer Academic/ Plenum Publishers.
- Brodribb, C. (1970), *Drawing Archaeological Finds for Publications*, London: John Baker.
- Chase, P. G. (1985), "Illustrating Lithic Artifacts: Information for Scientific Illustrators", *Lithic Technology*, no. 14.
- Collett, L. (1996), *An Introduction to Drawing Archaeological Pottery*, Association of Archaeological Illustrators and Surveyors, Occasional Paper no 1 [published online in 2012, Available Online: <http://www.archaeologists.net/sites/default/files/10_Drawing_archaeological_pottery.pdf>.
- Dauvois, M. (1976), *Précis de Dessin Dynamique et Structural des Industries Lithiques Préhistoriques*, Périgueux: Pierre Fanlac.
- Green, C. (1987), *Drawing Ancient Pottery for Publication (AAI&S Technical Paper 3)*, Association of Archaeological Illustrators & Surveyors.
- Hodgson, J. (2000), *Archaeological Reconstruction: Illustrating the Past*, Association of Archaeological Illustrators and Surveyors & Institute for Archaeologists, Reading, Berkshire.
- Holladay, J. (1976), "A Technical aid to Pottery Drawing", *Antiquity*, no.50.
- Hope-Taylor, B. (1966), "Archaeological Draughtsmanship: Principles and Practice. Part 2: Ends and Means", *Antiquity*, no. 40.
- Hope-Taylor, B. (1967), "Archaeological Draughtsmanship, Principles and Practice, Part 3: Lines of Communication", *Antiquity*, no. 41.
- Martial, G. (1961), "Commet Dessiner les Pièces Préhistoriques", *Société d'Etudes des Eyzies*, n. 11.

- Martingell, H. (1980), "Drawing Flaked Stone Artefacts", *Lithics*, no. 1.
- Martingell, H. (1981), "Readable Drawings: The Order of Flake Removals", *Lithics*, no. 2.
- Martingell, H. (1982), "Drawing Worked Stone: Variations in Line Type for Different Raw Materials", *Lithics*, no. 3.
- Martingell, H. (1983), "Considerations for the Illustration of Large Lithic Assemblages", *Lithics*, no. 4.
- Martingell, H. and A. Saville (1988), *The Illustration of Lithic Artefacts: A Guide to Drawing Stone Tools for Specialist Reports*, Association of Archaeological Illustrations and Surveyors & The Lithic Studies Society, Northampton, Available Online:
<<http://www.gag-cifa.org/wp-content/uploads/2014/12/flint-paper-digital.pdf>>.
- McCormick, A. G. (1977), *A Guide to Archaeological Drawing*, Leicester: University of Leiceste Notes for Students.
- Piggott, S. (1965), "Archaeological Draughtmanship: Principles and Practice, Part 1: Principles and Retrospective", *Antiquity*, no. 39.
- Pospišil, J. (2012), *Digital Reconstruction of Archaeological Finds*, Art Diploma Thesis, Department of Informatics/Computer Graphics, Masaryk University, published Online:
<https://is.muni.cz/th/172435/fi_m/diplomovaPraceJanPospisil.pdf>.
- Smith, R. H. (1972), "An Approach to the Drawing of Pottery and Small Finds from Excavation Reports", *World Archaeology*, vol. 2, no. 2.
- Steiner, M. (2005), *Approaches to Archaeological Illustration: A Handbook*, New York: Council for British Archaeology.
- Troy, B. E. (1959), *Photolithography*, Sydney: Horwitz.
- Woelfel, V. (2014), *Digital Archaeological Illustration for Ceramics: A Step by Step Guide to Creating A Ceramic Drawing in Adobe Illustrator*, Amazon Digital Services, ebook, Available from:
<<https://www.amazon.com/Digital-Archaeological-Illustration-Ceramics-Illustrator-ebook/dp/B00IK4CJRU>>.